

تفسیر نبوی

سورہ مبارکہ اسراء و کہف

استاد معظم

حضرت آیۃ اللہ سید محمد تقی دیباجی حسینی اصفہانی (رحمۃ اللہ علیہ)

مؤسسہ فرہنگی گنجینۂ قلم امید

سرشناسه: دیباجی حسینی، سید محمد تقی، ۱۳۲۴ -
عنوان و نام پدیدآور: تفسیر بشری (سوره مبارکه اسراء، وکھف) / سید محمد تقی، حسینی دیباجی اصفهانی
مشخصات نشر: قم: آیین احمد، ۱۳۹۳
مشخصات ظاهری: ۱۶ ص.
شابک: ۹۹-۹۹-۵۳۳۵-۶۰۰-۹۷۸-۲۰۰۰۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: کتابنامه به صورت زیر نویس.
موضوع: تفاسیر (سوره اسراء)
موضوع: تفاسیر (سوره کهف)
موضوع: تفاسیر شیعه -- قرن ۱۴
رده بندی کنگره: ۱۳۹۳ ۷۵۲/۴۴/د۹ت BP۱۰۲
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۸
شماره کتابشناسی ملی: ۳۴۷۸۷۱۲



تفسیر بشری (سوره مبارکه اسراء و کهف)

آیت الله سید محمد تقی دیباجی حسینی (دامت الله العالی)

مؤسسه فرهنگی گنجینه قلم امید (اولین مؤسس: تألیف کتاب های کمک درسی حوزه های علمیه)

ناشر: انتشارات آیین احمد

تحقیق و تنظیم: رضا خیری

چاپ: علی

ویراستار: مرتضی طالبی

امور رایانه: سجاد، ۰۹۱۲۱۵۱۰۶۲۰

شمارگان: هزار نسخه

نوبت چاپ: اول، بهار ۱۳۹۳

قیمت: بیست هزار تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۳۳۵-۹۹-۶

آدرس ناشر و مرکز پخش: قم، شهرک ایثار، کوچه ۵، پلاک ۱۵، واحد ۵ انتشارات آیین احمد

پست الکترونیکی: Aaynahmad@gmail.com

همراه: ۰۹۱۲ ۲۵۲ ۰۲۹۳

همه حقوق محفوظ است



فهرست مطالب

۱۵	 مقدمه
۱۶	 اعجاز قرآن
۲۱	 مسائل اعتقادی
۲۲	 قرآن اساس عزت ماست
۲۳	 توسل به قرآن
۲۶	 عدم تحریف قرآن
۲۸	 دعای امام سجاد (ع)

بخش اول

تفسیر سورة مبارکه اسراء

۳۳	 فضل اول: سورة اسراء آیات ۱-۱۰
۳۳	 فضیلت تلاوت سورة اسراء
۳۴	 محتوای محل نزول و تعداد آیات این سورة
۳۵	 خلاصه داستان معراج

۴۳	روایات معراجیه
۴۹	بحث روایی
۵۶	چه کسانی برای عذاب بنی اسرائیل برانگیخته شدند؟
۵۷	بحث روایی
۷۱	شرایط اجر و ثواب
۷۵	فصل دوم: سورة اسراء آیات ۲۵-۱۱
۷۸	بحث روایی
۷۹	مراد از آیت شب و آیت روز چیست؟
۸۹	بحث روایی
۹۱	کیفیت نامه عمل در آخرت
۹۳	بحث روایی
۱۰۰	پیام‌های این آیه:
۱۰۲	آثار گناه
۱۰۴	داستان
۱۰۶	فلسفه تمجید و تقبیح دنیا
۱۱۰	دنیا از دیدگاه امیرمؤمنان علی (ع)
۱۱۱	عبرت‌های تاریخ
۱۱۴	منظور از عطای پروردگار چیست؟
۱۲۲	اشکال و جواب
۱۲۴	بحث روایی
۱۲۹	جواز بوسیدن قبر پدر و مادر
۱۲۹	حق پدر و مادر



۱۳۲	 بحث روایی
۱۳۵	 فصل سوم: سورة اسراء آیات ۲۶-۳۹
۱۳۵	 تفاوت تبذیر و اسراف
۱۳۶	 اعتدال در بخشش
۱۳۸	 بحث روایی
۱۴۴	 شأن نزول آیه
۱۴۴	 بحث روایی
۱۴۹	 قصه قیس بن عاصم
۱۴۹	 بحث روایی
۱۵۱	 پیشگیری اسلام از...
۱۵۲	 بحث روایی
۱۵۳	 حق اولیای دم
۱۵۴	 بحث روایی
۱۵۶	 عقوبت تصرف ناحق در مال یتیم
۱۶۱	 بحث روایی
۱۶۶	 پیام‌های این آیه
۱۶۷	 بحث روایی
۱۷۱	 نکته‌ها
۱۷۵	 فصل چهارم: سورة اسراء آیات ۴۰-۶۶
۱۸۱	 مقصود از پیدا کردن راهی به سوی خدای ذی العرش چیست؟
۱۸۲	 بحث روایی

- ۱۸۵ معنای تسبیح موجودات
- ۱۸۷ دو نکته:
- ۱۸۸ بحث روایی
- ۱۹۳ اقوال مفسران در معنای ﴿حِجَابًا مَّسْتُورًا﴾
- ۱۹۴ بحث روایی
- ۱۹۶ جبر و اختیار
- ۱۹۷ بحث روایی
- ۲۰۰ استماع قرآن توسط مشرکان
- ۲۰۱ بحث روایی
- ۲۰۸ نکته
- ۲۱۴ نکات این آیه
- ۲۱۴ بحث روایی
-
- ۲۱۹ فصل پنجم: سورة اسراء آیات ۷۲ - ۵۶
- ۲۲۶ مقصود از ﴿الکتاب﴾ در آیه شریفه
- ۲۲۷ بحث روایی
- ۲۳۳ مراد از این رؤیا چیست؟
- ۲۳۴ بحث روایی
- ۲۳۸ لطائف این آیه
- ۲۴۴ وسائل متنوع و سوسه‌گری شیطان
- ۲۵۱ نکات قابل برداشت از این آیه
- ۲۵۶ یک قانون عمومی
- ۲۶۱ بحث روایی



۲۶۳	منظور از امام چیست؟
۲۶۵	بحث روایی
۲۶۹	فصل ششم: سورة اسراء آیات ۸۹ - ۷۳
۲۷۰	بحث روایی
۲۷۳	فضیلت فاطمه زهرا ۳
۲۷۴	بحث روایی
۲۷۵	تناسب مجازات با جایگاه اشخاص
۲۷۷	بحث روایی
۲۷۸	شان نزول
۲۸۵	بحث روایی
۲۸۹	اهمیت نماز شب
۲۹۳	مراد از دخول و خروج در آیه سرفیه چیست؟
۲۹۶	پیام‌های این آیه
۲۹۷	وجه شفا و رحمت بودن قرآن ﴿وَنُزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ﴾
۲۹۸	ثواب قرائت قرآن
۲۹۹	بحث روایی
۳۰۱	داستان ثوبان
۳۰۵	بحث روایی
۳۱۴	آیات تحدی به قرآن
۳۱۵	شاخصه‌های آتش جهنم
۳۱۹	فصل هفتم: سورة اسراء آیات ۱۱۱ - ۹۰

۳۲۰		شأن نزول آیات شریفه
۳۲۸		بحث روایی
۳۳۴		نکات این آیه
۳۳۵		فصل هشتم: سورة اسراء، آیات ۱۰۱-۱۱۱
۳۳۸		بحث روایی
۳۴۴		نزول دفعی و تدریجی قرآن
۳۴۷		بحث روایی
۳۵۲		معنای آیه ﴿وَلَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتُ بِهَا﴾
۳۵۳		بحث روایی
۳۵۷		معنای الله اکبر
۳۵۸		بحث روایی
۳۵۹		خاتمه: پیرامون اسماء الحسنی علیه السلام متعال

بخش دوم

تفسیر سورة مبارکه كهف

۳۶۳		فصل اول: سورة كهف آیات ۱-۹
۳۶۳		محتوای کلی سورة كهف
۳۶۴		خلاصه‌ای از داستان‌های سورة كهف
۳۷۳		فضیلت تلاوت سورة كهف
۳۸۲		بحث روایی
۳۸۴		بی اعتمادی به زینت دنیا
۳۸۵		بحث روایی



۲۸۷	فصل دوم: سوره کهف آیات ۲۲-۹
۲۸۷	شان نزول
۲۸۸	اصحاب کهف و رقیم چه کسانی بودند؟
۲۸۹	بحث روایی
۴۱۴	کتمان اسرار
۴۱۴	سبب کشف اسرار اصحاب کهف
۴۱۵	آثار لقمه حرام
۴۱۸	پرسش
۴۲۰	پاسخ
۴۲۴	نزاع بین موحدان و مشرکان
۴۳۳	فصل سوم: سوره کهف آیات ۲۳-۲۶
۴۴۰	بحث روایی
۴۴۵	فصل چهارم: سوره کهف آیات ۲۷-۴۶
۴۴۶	دلایل عقلی بر عدم تحریف قرآن
۴۴۷	دلایل نقلی بر عدم تحریف قرآن
۴۴۹	شان نزول آیه شریفه
۴۵۱	مراد از «أَغْلَنَّا» چیست؟
۴۷۷	بحث روایی
۴۸۴	جایگاه اموال و اولاد در زندگی انسان
۴۸۵	بحث روایی

- فصل پنجم: سورة كهف آیات ۴۷-۵۹ ۴۸۷
- سه نوع کتاب برای اعمال انسان ۴۹۴
- بحث روایی ۴۹۷
- چرا شیطان آفریده شد؟ ۵۰۴
- بحث روایی ۵۰۷
- انفی ولایت ابلیس و ذریه اش بر امور دنیا ۵۰۸
- بحث روایی ۵۱۴
- چهره انسا در قرآن ۵۱۷
- بحث روایی ۵۲۶
- فصل ششم: سورة كهف آیات ۶۰-۸۲ ۵۳۱
- شان نزول ۵۳۱
- مجمع البحرين کجا است؟ ۵۳۲
- قصه موسی و خضر علیهما السلام در مجمع البیان ۵۳۳
- احترام شاگرد به استاد ۵۴۳
- بحث روایی ۵۵۶
- ادب حضرت خضر علیهما السلام نسبت به خداوند ۵۵۷
- فصل هفتم: سورة كهف آیات ۸۳-۱۰۲ ۵۶۱
- الف. ذوالقرنین چه کسی بود؟ ۵۶۱
- ب. چرا او را ذوالقرنین نامیده‌اند؟ ۵۶۶
- سفر ذوالقرنین به سوی غرب ۵۶۹
- برخورد مدبرانه ذوالقرنین ۵۷۱



۵۷۳	سفر ذوالقرنین به سوی شرق
۵۷۴	بحث روایی
۵۷۵	منظور از احاطه علمی خدا بر کار ذوالقرنین چیست؟
۵۷۶	سفر سوم ذوالقرنین
۵۷۷	نکات تفسیری این آیه
۵۷۹	سد ذوالقرنین در کجا قرار دارد؟
۵۸۱	قوم یاجوج و ماجوج
۵۸۴	نکات آموزنده داستان ذوالقرنین
۵۸۸	بحث روایی
۵۹۱	علت نشان دادن جسم کفار، قبل از داخل شدن به آن
۵۹۵	فصل هشتم: سورة کهف آیات ۱۰۳ - ۱۱۰
۵۹۷	بحث روایی
۵۹۸	حبط اعمال از دیدگاه علامه مجلسی؛
۶۰۸	بحث روایی
۶۱۱	کتابنامه

www.ketab.ir

مقدمه

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَى عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا وَ الصَّلَاةَ وَالسَّلَامَ عَلَى رَسُولِهِ الَّذِي أُرْسِلَ بِأَمْرِهِ بِالْهُدَى وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ وَ عَلَى آلِهِ الْمَغْضُومِينَ عَلَى نَمَّةِ الْهُدَى وَ مَصَابِيحِ الدُّجَى الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَ طَهَّرَهُمْ تَطْهِيرًا وَ الدَّائِمُ عَلَيْهِمْ أَعْدَائِهِمُ الَّذِينَ اشْتَرَوْا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَى فَمَا رَبَحَتْ تِجَارَتُهُمْ وَ مَا نَالُوا الْخُسْدِينَ.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: فَضْلُ الْقُرْآنِ عَلَى سَائِرِ الْكَلَامِ كَفَضْلِ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ.^۱

پیامبر اسلام ﷺ فرموده است: «فضل و برتری کلام خدا بر سایر کلام‌ها همچون برتری خداوند بر سایر خلق است».

در عظمت و بزرگی قرآن همین بس که آن، کلام خداوند است. قرآن نوری آشکار و خاموش نشدنی است. قرآن چراغی همواره روشن و شعاعی همیشه

تابان و خورشیدی جهان افروز و راهنمایی راهیاب و شفافبخش است.
قرآن، هادی و بیانگر و رحمت است. قرآن، احسن الحدیث و احسن القصص است. قرآن، هدایت بشر را در همه قرون و اعصار تضمین نموده است.^۱
قرآن، همان بیکران دریایی است که به آسانی و بدون تجهیزات، نمی توان به آن راه پیدا کرد. عقل ها از درک عمق زوایای آن مبهوت و دانشمندان در کشف اسرار آن عاجزند. مگر راسخان در علم علیه السلام و پویندگان راه عصمت و طهارت که خدا درباره آنان فرموده: ﴿إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ فِی كِتَابٍ مَّكْنُونٍ لَا یَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ﴾^۲ که این قرآنی ارجمند است، در نوشته ای سرپوشیده (لوح محفوظ) که بجز پاکیزه شدگان به آن دست نمی رسانند.^۳

اعجاز قرآن

حکمت الهی چنین اقتضا کرده است که پیامبران را برای هدایت انسان ها بفرستد و معجزه را که امری بخارق العاده است از نشان های تأیید آنان قرار داده است؛
شیخ صدوق در کتاب علل الشرایع آورده است این سببیت از حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام سؤال می کند؛ چرا حضرت موسی علیه السلام با عصا و حضرت عیسی علیه السلام با علم طب و حضرت محمد صلی الله علیه و آله با قرآن، مبعوث به رسالت شدند؟
حضرت رضا علیه السلام فرمود: در زمان حضرت موسی علیه السلام علم سحر شایع بود و عصای او به اذن خدا، سحر ساحران را بلعید، سپس به حالت اولیه خود بازگشت.

۱. ابراهیم / ۱.

۲. واقعه / ۷۹ - ۷۷.

۳. این آیه هم معنای خبری دارد و هم انشائی. (ر.ک: تفسیر المیزان ذیل این آیه)

و در زمان حضرت عیسی علیه السلام، علم طب شایع بود و طبیبان بیماران را معالجه می کردند، خداوند به آن حضرت علیه السلام معجزه ای عنایت نمود که بیماری پسی را که دیگران از معالجه آن عاجز بودند معالجه می کرد و افراد گنگ [لال] را شفا می داد که سخن می گفتند و مرده را زنده می کرد و در زمان حضرت محمد صلی الله علیه و آله خطابه و کلام فصیح و بلیغ و شعر، شایع بود.^۱

خداوند آن حضرت صلی الله علیه و آله را با قرآن فرستاد که همه فصحا و ادبا و شاعران مبهور شدند و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به دستور خدا همه انس و جن را به تحدی و رقابت با قرآن دعوت نمود که اگر می توانید مثل قرآن: ﴿قُلْ لِّیْنَ اجْتَمَعَتِ الْاِنْسُ وَ الْجِنُّ عَلٰی اَنْ یَّاتُوْا بِمِثْلِ هٰذَا الْقُرْاٰنِ لَا یَأْتُوْنَ بِمِثْلِهٖ وَ لَوْ کَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِیْرًا﴾؛ ﴿اَمْ یَقِیْمُوْنَ اَفْتَرَاهُ قُلْ فَاتُوْا بِعَشْرِ سُوْرٍ مِّثْلِهٖ مُفْتَرِیَاتٍ وَ اَدْعُوْا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ اِنْ کُنْتُمْ صَادِقِیْنَ﴾^۲ یا ده سوره یا دست کم یک سوره مثل قرآن را بیاورید.

﴿وَ اِنْ کُنْتُمْ فِی رَیْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلٰی عَبْدِنَا فَاتُوْا بِسُوْرَةٍ مِّثْلِهٖ وَ اَدْعُوْا شُهَدَآءَ کُمْ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ اِنْ کُنْتُمْ صَادِقِیْنَ﴾^۳. و با اینکه قرآن از همین حروف تهجی و الف و لام و میم و... ترکیب شده نتوانستند مثل آن را بیاورند و به عجز و ناتوانی خود اعتراف نمودند.

و عده ای از آنان بر مرکب عناد و دشمنی سوار شدند و میدان حرب [جنگ] را بر میدان حرف [بیان] ترجیح دادند و با عده و عده و شمشیر به مقابله با قرآن

۱. ترجمه علل الشریع مسترحمی ص ۲۶۳.

۲. مثل قرآن (سوره اسراء/۸۸). ده سوره (سوره هود/۱۳).

۳. یک سوره (بقره/۲۳).



برخاستند، ولی جز حسرت و اندوه متاعی نخریدند.

خداوند درباره آنان فرموده: ﴿يُرِيدُونَ لِيُطْفَئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾^۱؛ می خواهند نور خدا را با دهان هایشان خاموش کنند، ولی خداوند کامل کننده نور خویش است، گرچه کافران نپسندند.

اما عده‌ای سر تسلیم فرود آوردند و به عجز خود اقرار نمودند.

(عتبة بن ربیعہ) دانشمند ادیب و بلیغ حجاز بود و گفتارش در میان فصیحای عرب محوریت داشت و هرچه را تصدیق می کرد از او می پذیرفتند. به یاران خود گفت: «انی سمعت منه قولاً واللہ ما سمعت مثله قط واللہ ما هو بالشعر ولا بالسر و لا بالکتاب، فواللہ لیکونن لقوله الذي سمعت منه نباء عظیم»^۲ من از محمد ﷺ سخنی شنیدم که مرکز مثلش را نشنیده‌ام به خدا سوگند کلام او نه شعر است و نه سحر و نه کهنات. برای کلام او داستانی بزرگ است.

و همچنین ولید بن مغیره که در غنای لغت زبان زد بود به ابوجهل گفت: «واللہ ان لقوله لَحلاوة و انه لیحطم ما تحته و انه لیسوا و لا یعلی علیہ»^۳ به خدا سوگند برای کلام محمد ﷺ شیرینی مخصوصی است و کلام دیگران را تحت الشعاع قرار می دهد، کلامش برتری دارد و هیچ کلامی بر کلامش برتری ندارد.

آری، هر کس به آستان مقدس قرآن راه یابد اگر نور فطرتش را با عناد و لجاج خاموش نکرده باشد تسلیم می شود و از معارف اسلامی و آموزش های زندگی ساز و امید آفرین قرآن به مقدار استعدادش بهره مند می گردد؛ زیرا قرآن با

۱. صف/۸.

۲. السيرة الحلیة، ج ۱، ص ۴۲۹.

۳. تفسیر الطبری، ج ۲۹، ص ۹۸؛ تفسیر القرطبی، ج ۱۹، ص ۷۲.



زبان فطرت سخن می‌گوید و فطرت فراگیر و همه‌شمول است.

نهایت اینکه از آنجایی که انسان‌ها همچون معادن طلا و نقره تفاوت دارند، چنان‌که امام علیه السلام فرمود: «النَّاسُ مَعَادِنُ كَمَعَادِنِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ».^۱ قرآن مجید نیز در تعلیم و تربیت روش‌های گوناگون به کار بسته مثلاً توحید را برای اندیشمندان و خردمندان با برهان تمنع (که به فکر و نظر نیاز دارد) ثابت می‌کند و می‌فرماید: «لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ».^۲ و برای ساده‌اندیشان با مثال عبد و مولا و می‌فرماید:

«ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ وَرَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ».^۳ خداوند تعالی مثال زده مردی را که چند مالک ناسازگار در مالکیت او شریکند (هر یک، او را به کاری وامی‌دارد) و مردی را که فرمانبردار یک نفر است آیا این دو (عبد) در مثل یکسانند، ستایش از خداست ولی بیشترشان نمی‌دانند.
و چون قرآن، آیاتش مختلف است و دارای عبارات و اشارات و لطایف و حقایق است.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، مردم را به قرآن و عترت ارجاع داده و عترت طاهره (ائمه معصومین علیهم السلام) را عدیل و (هم‌سنگ) قرآن قرار داده تا مردم معالم دین و احکام الهی را که در قرآن آمده از طریق اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام یاد بگیرند.

۱. بحار الانوار، ج ۵۸، ص ۶۵.

۲. انبیاء / ۲۲.

۳. زمر / ۲۹.

در حدیث ثقلین که نزد عامه و خاصه متواتر است فرموده:

«إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِزَّتِي أَهْلَ بَيْتِي وَ إِنَّهُمَا لَمْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي ابْدَأُ»^۱

من در میان شما دو چیز گرانها می‌گذارم (قرآن و عترت) که این دو از هم جدا نمی‌شوند تا آنگاه که در کنار حوض کوثر در قیامت بر من وارد شوند و شما مردم با تمسک به این دو هرگز گمراه نخواهید شد.

یعنی قرآن از اهل بیت علیهم‌السلام من بیاموزید. اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که معصوم و مطهرند و قرآن در خانه آنان نازل شده و علومی را که از جدشان به ارث گرفته‌اند علاوه بر ظواهر قرآن، از اسرار و لطایف و بواطن قرآن نیز آگاهند؛ زیرا «اهل البیت أدری بما فی البیت».

زرارة بن اعین به امام محمد باقر علیه‌السلام عرض می‌کند: «أَلَا تُخْبِرُنِي مِنْ أَيْنَ عَلِمْتَ وَ قُلْتَ إِنَّ الْمَسْحَ بِبَعْضِ الرَّأْسِ وَ بَعْضِ الْإِجْلِينَ، از کجا دانستی که در وضو، مسح به بعض سر و بعض پاها کافی است؟»

امام علیه‌السلام فرمود: «لمكان الباء» چون کلمه (باء) در آیه وضو آمده، قال الله الحکیم: «وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَ أَرْجُلِكُمْ إِلَى الْكَعْبَتَيْنِ» و کلمه (باء) برای تبعیض است.^۲

و عبد الاعلی درباره کیفیت وضوی جبیره سؤال کرد.

۱. لیالی بیشاور؛ علاوه بر کتب شیعه از ۶۶ کتاب از کتب عامه حدیث ثقلین را نقل می‌کند، ص

۱۷۰-۱۵۱.

۲. اصول کافی، ج ۳، ص ۳۰.



امام صادق علیه السلام فرمود: «يُعْرِفُ هَذَا وَ أَشْبَاهَهُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ قَالَ اللَّهُ مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ امْسَحْ عَلَيْهِ؛^۱ پاسخ این گونه پرسشها از کتاب خدای عزیز و جلیل معلوم می شود که فرمود: در دین اسلام بر شما حرج [زحمت] قرار داده نشده است، بر جبیره مسح کن».

مسائل اعتقادی

ابن ابی العوجاء در رابطه با آیه ۵۶ سوره نساء «كُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا»؛ «کافران را در آتش سوزان درآورم هرگاه پوست بدنشان سوخت، پوست های دیگری جایگزین آنها کنیم تا عذاب را بپوشند که به راستی خدا را نازاکم است». از امام صادق علیه السلام سؤال می کند جلد اول (که بر بدن شخص عاصی بود) سه حجت چرا جلد دوم بسوزد (اگر جلد دوم عین جلد اول است چرا خدا فرموده: (جُلُودًا غَيْرَهَا) و اگر جلد دوم غیر جلد اول است، خلاف عدالت می باشد، چون جلد دوم آبی نکرده تا معذب باشد. امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید:

أَرَأَيْتَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا عَمَدَ إِلَى لَبَنَةٍ فَكَسَرَهَا ثُمَّ صَبَّ عَلَيْهَا الْمَاءَ وَ جَبَلَهَا ثُمَّ رَدَّهَا إِلَى هَيْئَتِهَا الْأُولَى أَلَمْ تَكُنْ هِيَ هِيَ وَ هِيَ غَيْرُهَا؟^۲

اگر شخصی، خشتی را بکوبد که خاک شود، سپس آب بریزد بر همان خاک و خشت دیگری بسازد آن خشت دوم در عین حال که خشت اول است، غیر خشت اول می باشد.

۱. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۲۷.

۲. بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۲۱۹.

ملاحظه می‌کنید که امام علیه السلام پرسش زراره را در مسأله فقهی و پرسش ابن ابی العوجا را در مسأله اعتقادی، چگونه پاسخ گفتند و مفهوم آیه شریفه را برای آنان تبیین نمودند، پس انسان اگر بخواهد به رموز، اشارات و حقایق قرآن آشنا شود، باید سفارش پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را عمل کند و با عترت طاهرینش علیهم السلام که عدل قرآن هستند، رابطه داشته باشد و از کلمات نورانی و راهگشای آنان استفاده نمایند.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در رابطه با قرآن و عترت غیر از حدیث ثقلین، در بیان دیگری فرموده:

أَنَا أَوَّلُ وَفِيَّ عَلَى الْعَزِيزِ الْجَبَّارِ - يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَكِتَابُهُ وَ أَهْلُ بَيْتِي ثُمَّ أُمَّتِي ثُمَّ أَعْلَانُكُمْ بِكِتَابِ اللَّهِ وَ بِأَهْلِ بَيْتِي؛^۱

من نخستین کسی هستم که در خدای عزیز وارد می‌شوم پس کتاب او (یعنی قرآن) پس اهل بیتم علیهم السلام سپس امت را وارد می‌شوند، آنگاه سؤال می‌کنم که با کتاب خدا و اهل بیت من چه کردید.

قرآن اساس عزت ماست

و پیامبر و اهل بیت طاهرینش علیهم السلام در دنیا رهبران پاک و معصوم ما و در آخرت شفیعان ما خواهند بود انشاءالله به امید روزی که قرآن و نبوت و عترت علیهم السلام در زندگی فردی و اجتماعی ما بیشتر تجلی کند و بیشتر با آنان مأنوس باشیم و فکر و اندیشه و قلم و قدم و بیان ما همه و همه در راه قرآن و عترت به کار گرفته شود مبادا فردای قیامت مورد عتاب پیامبر صلی الله علیه و آله قرار بگیریم.



توسّل به قرآن

پیامبر ﷺ فرمود:

تَوَرُّوا بَيُوتَكُمْ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ ... فَإِنَّ الْبَيْتَ إِذَا كُتِرَ فِيهِ تِلَاوَةُ الْقُرْآنِ كَثُرَ خَيْرُهُ وَاتَّسَعَ أَهْلُهُ؛^۱

خانه‌های خود را به تلاوت قرآن نورانی کنید، خانه‌ای که در آن زیاد تلاوت قرآن شود خیر و برکتش زیاد خواهد بود.

قد روی عن ابی عبد الله عليه السلام مَنْ قَرَأَ فِي الْمُصْحَفِ نَظْرًا مُتَعٍ بَبَصَرِهِ وَكُفِّ عَنِ الدَّيِّهِ؛^۲

هر کس قرآن را از روی خطوط آن (با نگاه به آیات) بخواند از چشمانش بهره‌مند گردد و بپندرد و ادرش (در عذاب) تخفیف داده شود.

قد روی عن الامام الكاظم عليه السلام إِذَا خَفَّتْ أَمْرًا فَاقْرَأْ مِائَةَ آيَةٍ مِنَ الْقُرْآنِ مِنْ حَيْثُ شِئْتَ، ثُمَّ قُلِ اللَّهُمَّ اكْشِفْ عَنِّي الْبَلَاءَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ؛^۳

امام هفتم موسی بن جعفر عليه السلام فرمود: هرگاه از امری ترسیدی (و حاجتی داشتی) صد آیه قرآن از هر کجای آن خواستی، بخوان آنگاه سه مرتبه بگو: «اللَّهُمَّ اكْشِفْ عَنِّي الْبَلَاءَ» بار الها! بلا را از من برطرف کن (ان شاء الله دعای تو مستجاب گردد).

۱. همان، ص ۶۱۰.

۲. همان، ص ۶۱۳.

۳. ثواب الاعمال، ص ۱۰۲؛ سفینه البحار، ج ۷، ص ۲۵۶.

و در بیان دیگری فرمود:

«هر کس در شب ده آیه از قرآن بخواند از غافلین (بی خبران) نخواهد بود و هر کس پنجاه آیه هر شب بخواند از ذاکرین (آنان که همیشه به یاد خدا هستند) خواهد بود و هر کس صد آیه بخواند از قانتین (عبادت کنندگان فرمانبر) خواهد بود»^۱.

عَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ السَّاعِدِيِّ قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَشَكَاَ إِلَيْهِ الْفَقْرَ وَ ضِيقَ الْمَعَاشِ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا دَخَلْتَ بَيْتَكَ فَسَلِّمْ إِنْ كَانَ فِيهِ أَحَدٌ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ أَحَدٌ فَسَلِّمْ وَ اقْرَأْ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ثُمَّ وَاِحِدَةً فَقَعَلَ الرَّجُلُ فَأَقَاضَ اللَّهُ عَلَيْهِ رِزْقاً وَ وَسَّعَ عَلَيْهِ حَتَّى أَقَامَ عَلَى حَبْرَانِهِ^۲

سهل بن سعد ساعدی می گوید: شخصی به محضر پیامبر ﷺ آمد و از فقر و تنگی روزی شکایت نمود، پیامبر ﷺ فرمود: هرگاه به خانه ات می روی اگر کسی در خانه است سلام کن و اگر کسی در خانه نیست سلام کن و سوره (قل هو الله احد) را بخوان (تا خدا روزی تو را وسیع گرداند) سهل می گوید: آن شخص توصیه پیامبر ﷺ را عمل کرد و خدا روزی او را وسیع کرد تا جایی که به همسایه های خود احسان نمود.

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ عَنْهُ السَّلَامُ: مَنْ قَرَأَ سُورَةَ الْوَاقِعَةِ كُلَّ لَيْلَةٍ لَمْ تُصِبْهُ فَاقَةٌ أَبَدًا^۳

۱. ثواب الاعمال، ص ۱۰۳.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۲۸۹.

۳. همان، ص ۲۰۴.

عبدالله بن مسعود می‌گوید: پیامبر ﷺ فرمود: هر کس در هر شب سوره واقعه را بخواند ناراحتی و تنگدستی به او نخواهد رسید.

«عَنْ جَامِعِ الْأَخْبَارِ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ يَا عَلِيُّ اقْرَأْ يَسَ فَإِنَّ فِي قِرَاءَةِ يَسَ عَشْرَ بَرَكَاتٍ مَا قَرَأَهَا جَانِعٌ إِلَّا أُشْبِعَ وَلَا ظَامِي [ظَامِي] إِلَّا رَوِيَ وَلَا عَارٍ إِلَّا كُسِيَ وَلَا عَزَبٌ إِلَّا تَزَوَّجَ وَلَا خَائِفٌ إِلَّا أَمِنَ وَلَا مَرِيضٌ إِلَّا بَرِيَ وَلَا مَحْبُوسٌ إِلَّا أُخْرِجَ وَلَا مُسَافِرٌ إِلَّا أُعِينَ عَلَى سَفَرِهِ وَلَا يَفْرُءُونَ عِنْدَ مَيِّتٍ إِلَّا خَفَّفَ اللَّهُ عَنْهُ وَلَا قَرَأَهَا رَجُلٌ ضَلَّتْ لَهُ ضَالَّةٌ إِلَّا وَجَدَهَا»^۱

پیامبر اسلام ﷺ به علی بن ابی طالب رضی الله عنه فرمود: در قرائت سوره «یس» در برکت وجود دارد:

هیچ گرسنه‌ای نخواند مگر سیر شود.

و نه تشنه مگر سیراب گردد.

و نه برهنه، مگر پوشیده شود.

و نه مجرد، مگر ازدواج کند.

و نه ترسیده، مگر ایمن گردد.

و نه مریض، مگر خوب شود.

و نه زندانی مگر آزاد گردد.

و نه مسافر، مگر در سفرش کمک شود.

و اگر در نزد میت سوره [یس] را بخواند تخفیف عذاب پیدا می‌کند و اگر

چیزی گم شده باشد و این سوره را بخواند گم شده پیدا شود.

عدم تحریف قرآن

﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾^۱

همانا ما قرآن را نازل کردیم و به یقین ما خود نگهبان آن خواهیم بود.

﴿وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ﴾^۲

همانا (قرآن) کتابی است ارجمند که باطل از پیش و پس به آن راه ندارد و از سوی حکیمی ستوده نازل شده است.

تحریف : به معنای رویداد یا نتیجه در قرآن مجید

معروف بین مسلمانان (عامه و خاصه) آن است که در قرآن تحریف واقع نشده و آنچه امروز در دست مسلمانان جهان، موجود است همان قرآنی است که بر پیامبر عظیم الشان اسلام ﷺ نازل شده و در این باره به چند دلیل استدلال شده است:

۱. این دو آیه شریفه سوره حجر و سوره فصلت که در صدر صفحه آمده است.
۲. حدیث ثقلین که نزد عامه و خاصه متواتر است و هیچ قابل شک نیست که پیامبر اسلام ﷺ مردم را به قرآن و عترت، ارجاع داده در ذیل حدیث فرمود: «مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي أَبَدًا؛ مادامی که به قرآن و اهل بیت (معصوم) من تمسک پیدا کنید هرگز گمراه نمی شوید» و این بیان، دلیل است که تا قیامت



(قرآن و عترت) ملجأ و پناه انسان‌ها خواهند بود، معلوم می‌شود هیچ‌گونه تغییری در قرآن پیدا نخواهد شد.

۳. کلام امیرالمؤمنین علیه السلام در وصف قرآن می‌فرماید:

«... وَ تَبَيَّنَا لَا تُهْدَمُ أَرْكَائُهُ وَ شِفَاءٌ لَا تُخْشَى أَسْقَامُهُ وَ عِزًّا لَا تُهْزَمُ أَنْصَارُهُ»^۱

قرآن بنایی است که پایه‌های آن ویران نمی‌شود و شفا و بهبودی است که بیماری‌های (اهل) آن را خوف و ترس نیست و ارجمندی است که یاری‌کنندگان آن شکست نمی‌خورند.

۴. امامان معصوم علیهم السلام (همچون جدشان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله) مردم را به قرآن ارجاع می‌دادند، مثلاً در تعارض بین دو روایت، روایات علاجیه می‌فرماید:

إِذَا وَرَدَ عَلَيْكُمْ حَدِيثَانِ مُخْتَلِفَانِ، فَأَعْرِضُوهُمَا عَلَى كِتَابِ اللَّهِ، فَمَا وَافَقَ كِتَابَ اللَّهِ فَخُذُوهُ، وَمَا خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ فَذَرُوهُ؛^۲

هرگاه دو حدیث مختلف به شما رسید (و تعارض داشتند) آن حدیثی که موافق با کتاب خداست آن را بگیرید و آن که مخالف است رها کنید.

و همچنین در رابطه با نماز در رکعت اولی و ثانیه فرموده‌اند یک سوره کامله خوانده شود و در نماز آیات فرموده‌اند می‌توانید یک سوره را پنج قسمت کنید و قبل از رکوع یک قسمت آن را بخوانید.

اگر قرآن تحریف (به معنای نقیصه) شده بود، پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام مردم را به قرآن ارجاع نمی‌دادند. از این جهت، مشهور از علمای شیعه (به عدم

۱. نهج البلاغه، خطبه ۸۹، بند ۱۸، ترجمه فیض الاسلام، ص ۶۴۱.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۸۴ الفرائد للشیخ الانصاری، ج ۲، ص ۹۰۵.

تحریف قرآن قائل شده‌اند و فرموده‌اند این قرآن در دست مسلمانان همان قرآنی است که بر پیامبر ﷺ نازل شده است. مانند شیخ مفید، صدوق، سید مرتضی علم الهدی، شیخ طوسی، طبرسی صاحب مجمع البیان، شیخ جعفر کاشف الغطاء، فیض کاشانی، شیخ حر عاملی (در رساله فارسی خود)، شیخ بهائی، قاضی نورالله، علامه بلاغی در مقدمه آلاء الرحمن و... و از متأخرین و معاصرین مرحوم امام خمینی رحمه الله در انوار الهدایه جلد ۱ صفحه ۲۴۳ و مرحوم آیت الله خویی رحمه الله در کتاب البیان صفحه ۲۰۱ مانند مشهور قائل به عدم تحریف قرآن شده‌اند و فرموده‌اند این قرآن موجود در دست مسلمانان همان قرآنی است که بر پیامبر اسلام ﷺ نازل شد.

البته برخی از محدثان شیعه که تعدادشان انگشت شمار است و برخی از علمای عامه (آنان که به نسخ تبارک معتقدند) به تحریف قرآن قائل شده‌اند که قولشان مورد اعتماد نیست و این موضوع را سیوطی (که از علمای عامه است) در کتاب خود (الاتقان، ج ۱، ص ۱۰۱) گوشزد نموده است.^۱

دعای امام سجاد علیه السلام

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ اَخْطُطُ بِالْقُرْآنِ عَنَّا ثِقَلَ الْأَوْزَارِ، وَ هَبْ لَنَا حُسْنَ سَمَائِلِ الْأَبْرَارِ، وَ اقْفُ بِنَا آثَارَ الَّذِينَ قَامُوا لَكَ بِهَ آثَاءَ اللَّيْلِ وَ أَطْرَافِ النَّهَارِ حَتَّى تُطَهِّرَنَا مِنْ كُلِّ دَنَسٍ يَبْطِئُ بِهِ؛^۲

بار الها بر محمد و آلش درود بفرست و توسط قرآن بار سنگین گناهان را

۱. البیان، ج ۲، ص ۲۰۱.

۲. صحیفه سجادیه، دعای شماره ۴۲.

از ما بردار و صفات نیکوی نیکان را به ما ببخش و ما را پیرو اهل قرآن قرار ده، آنان که در هر صبح و شام قرآن را برای تو به پا داشتند تا به این شیوه ما را از هر پلیدی پاک گردانی.

بار خدایا! توسط قرآن اندوه جان کندن و سختی مرگ را بر ما آسان گردان و هنگام آمدن فرشته مرگ، ترس فراق و جدایی را از ما بردار و قبر را بهترین منزل برای ما قرار ده و تاریکی آن را به روشنایی مبدل گردان و ما را از سختی و شداید صحنه قیامت حفظ کن و با محمد و آلش علیهم السلام محشور فرما.

در خاتمه از زحمات رئیس موسسه فرهنگی گنجینه قلم، فاضل محترم و نویسنده متعهد، جناب مستطاب حجت الاسلام آقای حاج شیخ رضا خیری (دام عزه العالی) که مباحث و نوشته‌های تفسیری اینجانب را تنظیم نموده و آماده چاپ کردند تشکر می‌کنم.

امید آنکه این کتاب مورد توجه استفاده طلاب و دانشجویان عزیز قرار گیرد و این حقیر را از دعای خیر فراموش نفرمایید.

ف. ا. قدسه

سید محمد تقی دبیر حجرت حرمین اصفهانی

اردیبهشت / ۱۳۹۳ ه. ش.